

حقوق مالکیت معنوی در فقه امامیه و قوانین موضوعه ایران

محسن رئیسی*

مریم آقایی بجستانی**

چکیده

مالکیت از جمله حقوق مسلم اشخاص بوده که در تمامی کشورها مورد حمایت و احترام می‌باشد. امروزه رابطه دانش و تجارت بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته و اموال معنوی نقش مهم و حیاتی در روابط میان افراد حقیقی و حقوقی پیدا نموده است از مباحث حقوق مالکیت معنوی بررسی مبانی و نحوه انتقال آن می‌باشد. فقها درباره‌ی حقوق مالکیت معنوی به اظهار نظر پرداخته‌اند. برخی در مخالفت و عدم مشروعیت حقوق یادشده سخن گفته و به ارائه‌ی دلیل پرداخته‌اند و برخی نیز آن را مشروع دانسته‌اند و راه‌های انتقال آن را بیان نموده‌اند. در حقوق ایران نیز مبانی این حقوق مورد بحث قرار گرفته ولی به نحوه و جواز انتقال اموال معنوی تصریح نشده است اما از برداشت‌ها و نبود موانع عمده، بعضاً در اموال فکری و عمدتاً در اموال صنعتی، مشخص گردید که در برخی موارد امکان انتقال وجود دارد و در سایر موارد نیز با وضع قوانین امکانپذیر خواهد شد. در این نوشتار حقوق مالکیت معنوی و مبانی آن مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

کلید واژه‌ها: مالکیت، اموال معنوی، مالکیت فکری.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۳/۹

۱- تاریخ وصول: ۱۳۹۴/۲/۲۷

* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد گروه حقوق خصوصی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران

** استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران (نویسنده

مسئول) maqaib@gmail.com

۱- مقدمه

در گذشته صرفاً کالاهای مادی و ملموس برای مردم از نظر اقتصادی اهمیت داشتند اما در عصر کنونی علاوه بر آن، کالای جدیدی نیز ظهور نموده است. در ابتدای قرن پانزدهم میلادی با وضع اولین قانون حق اختراع، نظام نوین حق مالکیت فکری پا به عرصه وجود گذاشت و امروزه در سطح دانشگاه‌های دنیا در قالب واحدهای درسی و در بعضی کشورها به عنوان یک رشته تحصیلی به آن اهمیت داده شده است. می‌توان گفت که رقابت آینده بین اشخاص و کشورها در سطح جهان نه بر سر تصاحب اموال مادی است بلکه بر سر تملک اموال فکری می‌باشد. همان اطلاعاتی که منجر به تولید و تغییرات جهانی می‌شود، حال نیز در سطح جهان شاهد چنین نزاعی می‌باشیم و توانمندی‌های شرکت‌هایی که از راه اطلاعات فکری درآمدزایی می‌کنند هر روز خیره‌کننده می‌باشد.

در سناریوی کنونی اقتصاد جهانی، این حقیقت وجود دارد که اموال فکری بخش عمده‌ای از نظام تجارت جهانی نوین را به خود اختصاص داده‌اند و حقوق مالکیت فکری نقش مهم و حیاتی در تجارت، سرمایه‌گذاری، روابط اقتصادی و رشد و توسعه جوامع دارد. بسیاری از کشورها خصوصاً کشورهای توسعه یافته به این واقعیت پی برده‌اند که حمایت از حقوق مالکیت فکری و فراهم‌نمودن سهولت در نقل و انتقال آن در توسعه کشور و ایجاد انگیزه در تولیدکنندگان این حقوق مؤثر است. با تغییر و تحولات جهان مادی اشکال مختلفی از اموال را مشاهده نموده‌ایم که بعضی از آنها در عصر ما مال محسوب نمی‌گردند و در مضمول اموال نمی‌آیند، در عصر کنونی حرکتی از حقوق اموال معنوی قابل مشاهده است و در کشورهای پیشرفته کاملاً ملموس می‌باشد. اما این موج که تقریباً کشور ما را نیز فرا گرفته است و هر روز شاهد پیشرفت آنیم، نیاز به قوانین و ضوابط مشخص و سنجیده‌ای دارد که حقوق مالکیت معنوی را کاملاً مستقل بدانند و با این دیدگاه به آن توجه و قانونگذاری شود. لذا قوانین موجود در اثبات مالیت و جنبه اهمیت به حقوق معنوی قابل بررسی است اما کافی نیست.

در چند دهه گذشته مقالات و مستندات علمی متعددی جهت یافتن پاسخی در چپستی و چگونگی اموال فکری به رشته تحریر در آمده‌اند و بعضی نیز که اسرار بر همسان‌نمایی کالاهای مادی با این اموال را دارند اما چنانکه شاهد بوده‌ایم ویژگی‌های خاصی کالاهای فکری مشکلاتی را در جهت انطباق کامل مبانی سنتی و موسوم مالکیت و انتقالات با نظام مالکیت فکری و نحوه انتقال آنها به وجود آورده است. این بحث از سال‌ها پیش مورد مذاکره فقہیان قرار گرفته، برخی مالکیت معنوی را به رسمیت نشناخته و براین

اساس مشکلاتی بر سر راه اموال معنوی قرار گرفته است. برخی نیز با به رسمیت شناختن مالکیت معنوی در جهت تعیین ضوابط و قوانین خاص حقوق مالکیت معنوی کوشیده‌اند. در این نوشتار ضمن تبیین آرای فقهای معاصر و بررسی و احصای مبانی حقوق مالکیت معنوی برآنیم تا به سؤالات زیر پاسخ دهیم:

- آیا آفرینش‌های فکری دارای مالیت هستند؟

- نظرات فقها درباره مالکیت معنوی چیست؟

- مبنای اختلاف نظر فقها چه می‌باشد؟

۲- معنای مالکیت فکری (معنوی)

اصطلاح مالکیت فکری، معادل «Intellectual property» است. واژه «Property» در زبان انگلیسی، هم به معنای «حق مالکیت» و «تصرف» و هم به معنای «مال» و «شیء» که مالکیت به آن تعلق می‌گیرد به کار می‌رود (بریان، ۱۳۷۹، ۵۰). کلمه «Intellectual» نیز وصفی است که بر توانایی فرد به فکر کردن در یک روش منطقی و شناخت اشیاء و با بکارگیری این توانایی دلالت می‌کند. (هامبی، ۲۰۰۲، ۶۷۶) فرهنگ نویسان چهار معنای متفاوت برای آن بکار برده‌اند:

۱- عقلانی، ذهنی و فکری؛

۲- معنوی؛

۳- خردمند، دارای قوه فکر؛

۴- معنوی، نامحسوس؛ (آریان پور کاشانی، ۱۳۷۵، ۲۵۳۸)

برخی حقوقدانان عرب کلمه «Intellectual» را به «غیرمادی» ترجمه کرده و «شیء غیرمادی» را چیزی دانسته‌اند که با حس قابل درک نیست (السنهوری، ۱۹۶۷، ۲۷۵). اما صاحب نظران علم حقوق درخصوص ترجمه اصطلاح «Doritos intellectuals» حقوق مالکیت فکری را ترجیح داده‌اند؛ منظور از حقوق فکری، حقوقی است که دارای ارزش اقتصادی است و موضوع آنها شیء مادی نیست. موضوع این حقوق در واقع اثر فکری انسان است. این حقوق شامل حق مولف و هنرمند، حق مخترع، حق تاجر نسبت به نام تجاری و علائم صنعتی و تجاری و حق سرقتی است (صفایی، ۱۳۵۰، ۴۴). در حقوق ما ترجمه به حقوق معنوی بسیار به چشم می‌خورد هر چند با بررسی مبانی لغوی کلمه «معنوی» در لغت منصوب به معنی و مقابل مادی، صوری و ظاهری تعریف شده است (دهخدا، ۱۳۷۷، ۲۱۱۹۰). حال آنکه منشأ این

حقوق فکر و تعقل است (جعفرزاده، ۱۳۸۱، ۳). اغلب علمای این شاخه از حقوق ارجحیت در عنوان معنوی یا فکری بیان می‌دارند. این واژه (مالکیت فکری) ماهیت حقوق مذکور را بهتر نشان می‌دهد (صفایی، ۱۳۵۰، ۶۹). همچنین اصطلاح «مالکیت فکری» باعث می‌شود که تفکیک میان این حقوق و حقوق معنوی که جزئی از حقوق پدید آورنده است با سهولت بیشتری صورت گیرد (آیت‌اللهی، ۱۳۸۲، ۷۴).

باتوجه به مراتب فوق و صرف نظر از نظریه‌های مختلفی که در این خصوص بین حقوقدانان وجود دارد بنظر باتوجه به مصادیق این حقوق از جمله علایم تجاری که تنها از جهت اقتصادی و تجاری مورد حمایت است، و ارتباط مستقیم با قوه تفکر و فعالیت فکری انسان ندارد، همچنین به پیروی از قانونگذار و اساتید بزرگ حقوق مدنی، بکاربردن اصطلاح «حقوق معنوی» برای معرفی این قبیل حقوق ارجح و مناسب باشد (میرحسینی، ۱۳۹۱، ۲۲ و ۲۱). عنوان «مالکیت فکری» به صورت مستقل و بدون ذکر مصادیق در متون قانونی نوشته وجود ندارد تا تلاشی در دستیابی به تعریف آن دارای فایده حقوقی باشد و بتوان آن را بر مصادیق تطبیق داد و اگر این اصطلاح در نامگذاری برخی نهادهای بین‌المللی به کار رفته باشد، یا نام یک سازمان است و یا مصادیق آن به خوبی روشن شده است. با این حال تلاش برای دستیابی به تعریف و نقض و ابرام تعریف‌های ارائه‌شده تا حدود زیادی ما را با ابعاد مالکیت فکری آشنا می‌کند. برخی از متخصصان حقوق مالکیت فکری بر این باورند که ارایه تعریف دقیق از مالکیت فکری ناممکن است؛ زیرا از یک سو ماهیت مصادیق مالکیت فکری چنان متنوع و گوناگون است که ارائه تعریف واحدی که بتواند همه آنها را پوشش دهد، دشوار است، مثلاً در نظام حاکم بر مالکیت ادبی و هنری بنابر مبنای شخصیت، توجه زیادی به شخصیت پدید آورنده محسوب می‌شود اما در حق اختراع و دیگر مصادیق مالکیت صنعتی، بیشتر به ابعاد و فواید اقتصادی حاصل از اختراع و بهره‌برداری از آن توجه می‌شود و حق اخلاقی جایگاه چندانی ندارد (حکمت‌نیا، ۱۳۸۷، ۳۴).

مالکیت فکری حقوقی است که در پی ایجاد یک ابزار جدید یا یک نوآوری و ابتکار منحصر به فرد، به صاحب آن اندیشه تعلق می‌گیرد. در واقع به این فرد خلاق که توانسته است با نیروی ذهنی و فکری خود وسیله‌ای جدید را اختراع یا اثری هنری و یا ادبی را خلق کند، حقوق انحصاری مبنی بر استفاده کامل از جنبه‌های مادی و غیرمادی آن در طی یک دوره زمانی خاص اعطا می‌گردد (صالحی و ابراهیمی، ۱۳۸۹، ۵۵). به عبارت دیگر این حقوق در واقع ناظر به آن دسته از امتیازات و اختیاراتی است که شخص نسبت به نتایج فعالیت‌های فکری خود در حوزه‌های مختلف صنعت، علم، ادب و هنر مطالبه می‌نماید (جعفرزاده،

۱۳۸۱، ۳) و هدفی جز حمایت از فکر، ابتکار و نوآوری و گرایش به ایجاد آفرینش‌های فکری ندارد. به هر ترتیب تعریفی که بتواند تمام ابعاد مالکیت فکری را نشان دهد، ممکن نیست. لیکن در اینجا باید به مسأله- ای توجه کرد و آن اینکه اگر ما بخواهیم تمام ابعاد مالکیت فکری را در تعریف در نظر بگیریم این کار نه میسر است و نه منطبق با اصول علمی؛ زیرا تعریف، ارائه مفهوم و بیان طبیعت یک نهاد حقوقی است نه معرفی تمام ابعاد و احکام مترتب بر یک نهاد. به عبارت دیگر، تعریف در صدد تبیین موضوع احکام است، نه بیان تمام احکام مترتب بر یک موضوع (حکمت‌نیا، ۱۳۸۷، ۳۶) با این اوصاف برخی از مهمترین تعاریف در ابعاد مختلف ذکر می‌گردد:

- حقوق مالکیت فکری دسته متنوعی از حقوق است که کاربرد افکار و اطلاعات دارای ارزش اقتصادی را حمایت می‌کند (ایجان، ۴۲۳).

- حقوق مالکیت فکری حقوقی است در موضوعات فکری که از پدیده‌های مادی که این حقوق در آنها منعکس می‌گردد، متمایز است (پلنر، ۱۹۹۰، ۸۱۸).

- مالکیت فکری حقوقی است در افکار جدید که در موضوعات غیرمحسوس ناشی از تلاش معرفتی یافت می‌شود (نانس، ۱۹۹۰، ۷۵۲).

- مجموعه حقوقی است که صرفاً متکی به شخصیت صاحب حق بوده و بر فعالیت فکری او ناظر است، اثری که زاده و مولود اندیشه ادبی و علمی و یا نبوغ هنری پدید آورنده است، آینه تمام‌نمایی از شخصیت او است، لاجرم همانطور که خود انسان موضوع اصلی حمایت قانونی است اثر او نیز که تابشی از شخصیت اوست قابل حمایت حقوقی است (آذری، ۱۳۶۰، ۲).

- حقوقی است که به صاحب آن اختیار انتفاع انحصاری از فعالیت و فکر و ابتکار انسان را می‌دهد (کاتوزیان، ۱۳۸۱، ۲۴).

علی‌رغم نبود اجماع در تعریف حقوق مالکیت فکری، یک خصوصیت مشترک را برای همه مصادیق آن می‌توان ذکر کرد؛ و آن صفت بازدارندگی و سلبی بودن آنهاست. یعنی همه مصادیق این حقوق دیگران را تا زمانی که دارنده حق تجویز نکرده، از انجام برخی از امور باز می‌دارد. حتی در مواردی، بعلت تقدم در ثبت، از دستیابی کسانی که به طور مستقل به آن ایده و دست آورد، دست یافته‌اند، به حق مالکیت فکری ممانعت می‌کند و از سوءاستفاده سارقان، جاعلان و تقلید کنندگان جلوگیری می‌نماید (اقبالی، ۱۳۸۹، ۸۹).

۳- سابقه و تحولات تاریخی حق مالکیت فکری

همانگونه که پیشتر نیز گفته شد مالکیت فکری یا ادبی و هنری، نهادی است کاملاً جوان که از نظر حقوق موضوعه قدمت طولانی ندارد هر چند بنظر می‌رسد شرایط زندگی اجتماعی و نیازمندی‌های بشرعلت این امر باشد. با پیدایش صنعت چاپ و اختراع چاپگر، در اواسط قرن پانزدهم میلادی به وسیله گوتنبرگ تحولی بزرگ در امر چاپ پدید آمد و امکان تکثیر و نشر انبوه آثار و نوشته‌های نویسندگان فراهم گردید و با فعال شدن چاپخانه‌ها، این آمادگی پیدا شد تا هزارها نسخه از یک کتاب و آثار مؤلفان چاپ و منتشر گردد و این امر سبب شد که علاوه بر ارزش معنوی، سود مادی و مالی فراوانی عاید مؤلفان و مصنفان آثار فکری شود و در نتیجه، موضوع مالکیت معنوی و حقوق مؤلفان مطرح گردد و جایگاه خاصی پیدا کند و برای مبارزه با متجاوزان به حقوق مؤلفان، مقررات و قوانین مختلفی در سراسر جهان وضع گردد (امامی، ۱۳۸۶، ۵۱).

در جمهوری اسلامی ایران حمایت از حقوق مالکین صنعتی دارای سابقه ممتد و طولانی است و قوانین متعددی در رابطه با مالکیت صنعتی به تصویب رسیده و از حیث رویه قضایی نیز در وضعیت خوبی است. اولین قانونی که در ایران در رابطه با مالکیت صنعتی به تصویب رسیده به سال ۱۳۰۴ بر می‌گردد. در سال ۱۳۱۰ نیز با توجه به شرایط و احتیاجات زمان، قانون ثبت علایم و اختراعات در ۵۱ ماده به تصویب مجلس وقت رسیده است. این قانون دارای آیین نامه جامعی بود (میرحسینی، ۱۳۹۱، ۲۷).

قانون حمایت از حقوق پدید آورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای در سال ۱۳۷۹ و در ۱۷ ماده به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است. آیین نامه اجرایی این قانون نیز بعد از بیش از سه سال تأخیر در سال ۱۳۸۳ به تصویب هیأت دولت رسیده است، قانون حمایت از نشانه‌های جغرافیایی در سال ۱۳۸۳ به تصویب رسیده است و آیین نامه این قانون در سال ۱۳۷۴ به تصویب رئیس قوه قضاییه رسیده است. قانون تجارت الکترونیک نیز در سال ۱۳۸۲ به تصویب رسیده است. جدیدترین قانون در خصوص حقوق مالکیت صنعتی، قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علایم تجاری است که در سال ۱۳۸۶ به تصویب رسیده است و آیین نامه اجرایی این قانون یاد شده نیز در سال ۱۳۸۷ به تصویب رئیس قوه قضاییه رسیده است (همان). همچنین ایران در سال ۱۳۳۷ به کنوانسیون پاریس برای حمایت مالکیت صنعتی و در سال ۱۳۷۷ به آخرین اصلاحات آن و در سال ۱۳۸۰ به سازمان جهانی مالکیت معنوی، در سال ۱۳۸۲ به موافقت نامه و پروتکل مادرید در رابطه با ثبت بین‌المللی علایم تجاری و در سال ۱۳۸۳ نیز به موافقت نامه مادرید در

مورد جلوگیری از نصب نشانه‌های منبع غیرواقعی یا گمراه‌کننده بر کالا و همچنین موافقت نامه لیسبون در مورد حمایت از اسامی مبدأ و ثبت بین‌المللی آنها ملحق شده است (همان، ۲۸). مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۸۶ لایحه اجازه الحاق ایران به معاهده همکاری ثبت اختراع (PCT) را تصویب کرده و به تأیید شورای نگهبان نیز رسیده است. معاهده یادشده به لحاظ عدم تودیع سند الحاق آن به سازمان جهانی مالکیت معنوی هنوز اجرایی نشده است.

در حوزه مالکیت ادبی و هنری اگر چه جمهوری اسلامی ایران در سطح ملی از مجموعه قوانین و مقررات پیشرفته‌ای برخوردار است از قبیل قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ و آیین‌نامه اجرایی آن، قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی مصوب ۱۳۵۲ و قانون حمایت از نرم‌افزارهای رایانه‌ای و آیین‌نامه اجرایی آن و همچنین قانون تجارت الکترونیک مصوب ۱۳۸۲ ولی از نظر بین‌المللی به لحاظ عدم الحاق ایران به کنوانسیون برن درخصوص حمایت آثار ادبی و هنری و کنوانسیون رم راجع به حمایت حقوق اجرا کنندگان، حقوق تولید کنندگان صفحات صوتی و حقوق سازمان‌های پخش، حمایت جدی از حقوق مالکیت ادبی و هنری وجود ندارد، این امر باعث شده است که نظام کپی رایت ایران با نظام بین‌المللی فاصله زیادی داشته باشد (همان، ۳۱).

۴- شاخه‌های حقوق مالکیت فکری

حقوق مالکیت معنوی به طور سنتی به دو شاخه کلی تقسیم می‌شود:

۴-۱- حقوق مالکیت صنعتی و تجاری

مالکیت صنعتی و تجاری که در برگیرنده زیر مجموعه‌های چون حقوق حاکم بر ثبت و حمایت از اختراعات، حقوق حاکم بر علائم و اسامی تجاری، حقوق حاکم بر طرح‌های صنعتی، حقوق حاکم بر علائم مبادی جغرافیایی، حقوق ناظر بر طرح‌های ساخت مدارهای یکپارچه، مقررات مربوط به راز داری و نقض تعهد بر عدم افشای اسرار، حقوق حاکم بر حمایت از شهرت تجاری و مقررات مربوط به آنتی‌تراست‌ها می‌باشد (جعفرزاده، ۱۳۸۱، ۱۲-۱۱).

باتوجه به کنوانسیون پاریس، موضوع حمایت مالکیت صنعتی، ورقه‌های اختراع، نمونه‌های اشیاء مصرفی و طرح‌ها و مدل‌های صنعتی و علائم کارخانه‌ها یا بازرگانی و علائم مربوط به خدمات و اسم بازرگانی و مشخصات مبدأ یا نامگذاری اصلی جنس و نیز جلوگیری از رقابت نامشروع می‌باشد (حجتی

اشرفی، ۱۳۸۳، ۳۶۶). نکته قابل ذکر این که حمایت از اختراعات، علایم تجاری و طرح‌های صنعتی به صورت اعطای حق استفاده انحصاری صورت می‌گیرد، ولی جلوگیری از رقابت نامشروع به حقوق انحصاری مربوط نمی‌شود، بلکه علیه فعالیت‌های رقابتی است که با فعالیت‌های صادقانه در امور صنعتی و بازرگانی مغایرت دارد (وایپو، ۱۹۹۶، ۱۳).

از مالکیت صنعتی تعریف قانونی در نظام حقوقی ایران و در نظام حقوقی بسیاری از کشورهای جهان از جمله کشور مصر و فرانسه دیده نمی‌شود بنظر می‌رسد علت خودداری قانونگذاران از تعریف قانونی مالکیت صنعتی تنوع موضوعات آن باشد که هر یک از موضوعات مالکیت صنعتی اوصاف و ویژگی‌های مخصوص خود را دارد و جمع کردن خصوصیات مختلف موضوعات متعدد مالکیت صنعتی در یک تعریف قانونی که بتواند جامع و مانع باشد چندان آسان نیست و به فرض امکان نیز در عمل مشکلات فراوانی در پی خواهد داشت. شاید به همین دلیل، در کنوانسیون بین‌المللی از جمله در قرارداد و کنوانسیون پاریس برای حمایت از مالکیت صنعتی مورخ ۲۰ مارس سال ۱۸۸۳ و تجدیدنظرهای انجام شده در این کنوانسیون، نیز، مالکیت صنعتی تعریف نشده است و بعضی از حقوقدانان هم از تعریف مالکیت صنعتی خودداری کرده‌اند (السنهوری، ۱۹۶۷، ۴۴۸). با وجود احصاء موضوعات مورد حمایت مالکیت صنعتی در کنوانسیون پاریس، که مورد تأیید و توافق دولت‌های عضو اتحادیه پاریس قرار گرفته است، اکثر کشورها و همه حقوقدانان و اساتید فن، بر این عقیده‌اند که موارد عنوان شده در قرارداد پاریس، جنبه حصری ندارد و نمی‌تواند جنبه حصری داشته باشد؛ زیرا پیشرفت روزافزون صنعت و تحولات فراوان علمی دانش فنی و پیدایش موضوعات جدید در تکنیک، نظیر نانو تکنولوژی و امثال آن، مورد حمایت مالکیت صنعتی است. لذا موارد پیش‌بینی شده در قرارداد پاریس کامل نیست و با پیدایش موضوعات جدید باید این لیست تغییر پیدا کرده و تکمیل‌تر شود. به طور مثال گواهی‌نامه مربوط به نباتات اصلاح شده یا اصلاح نژاد در حیوانات و نظایر آن که از طریق پژوهش‌های ملی و منطقه‌ای بدست آمده و یا در آینده پیدا می‌شود باید در لیست موضوعات مورد حمایت مالکیت صنعتی وارد شده و مورد تعهد دولت‌ها قرار گیرد (کریستوفر، ۲۰۰۰، ۶).

به طور کلی حقوق مالکیت صنعتی و تجارتي مجموعه حقوقی را مشخص می‌کند که هدف آن این است که شخص یا گروه اعم از حقیقی یا حقوقی بتواند با اطمینان خاطر از تعرض دیگران به تجارت یا صنعت اشتغال داشته و از هرگونه تجاوزی که از ناحیه اشخاص ثالث مصون و محفوظ باشد و هدف آن

حمایت از فکر و ابتکار شخص در برابر اشخاص ثالث و دادن انحصار و بهره‌برداری از نتیجه فکر و ابتکار به صاحب یا مالک آن برای مدت معین است (نوروزی، ۱۳۸۶، ۱۶۷).

۴-۲- حقوق مالکیت ادبی و هنری و حقوق مرتبط

حقوق مالکیت ادبی و هنری اصطلاحی است که از انحصار موقت بهره‌برداری مالی متعلق به هنرمندان و نویسندگان نسبت به اثر او حکایت دارد. همچنین در مفهوم وسیع کلمه شامل تمامی حقوق مادی و غیرمادی شناخته شده برای پدیدآورنده یک اثر فکری است (کورنیو و جرارد، ۲۰۰۰، ۶۸). اگر بخواهیم به تفکیک هر یک از این حقوق را تعریف کنیم، مالکیت ادبی عبارت است از حقی که برای مؤلف و مصنف نسبت به اثر خود شناخته شده، اعم از اینکه جنبه علمی یا صرفاً ادبی داشته باشد و مالکیت هنری عبارت است از حق هنرمند نسبت به اثر خود اوست (صفایی، ۱۳۷۹، ۷۰). آثاری که تحت حمایت این شاخه از حقوق آفرینش‌های فکری قرار می‌گیرند بسیار متنوع بوده و باتوجه به سطح توسعه یافتگی کشورها متفاوت می‌باشند. مع الوصف، می‌توان این آثار و مصادیق پراکنده را در چند دسته کلی بیان نمود:

۱- آثار ادبی و علمی مکتوب و غیرمکتوب شامل کتب، مقالات، آثار هنری، آثار تزئینی و نمایشی، آثار رایانه‌ای و پایگاه‌های اطلاعاتی؛

۲- حقوق تولیدکنندگان صفحات صوتی؛

۳- حقوق سازمان‌های پخش رادیویی و تلویزیونی (نوروزی، ۱۳۸۶، ۸).

حقوق نوشته، حقوق مالکیت ادبی و هنری خود شامل دو مقوله از حقوق است از یک سو حق مؤلف یا حقوق پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری و از سوی دیگر حقوق مجاور که از آن به «حقوق جانبی» یا «حقوق مرتبط» هم یاد می‌شود. در این مفهوم «حق مؤلف عبارت است از مجموعه امتیازات مادی و معنوی شناخته شده برای مؤلفان آثار فکری» و حقوق مجاور عبارت است از مجموعه امتیازات شناخته شده برای مددکاران آفرینش‌های ادبی و هنری که شامل هنرمندان مجری (هنرمندان مجری اثر یا مجریان) تولیدکنندگان فتوگرام (آوانگاشت‌ها) و ویدئوگرام (فیلم‌ها) و مؤسسات اطلاع‌رسانی (سازمان‌های پخش رادیو و تلویزیون) است (کلود، ۱۳۹۰، ۲۵). تقسیم‌بندی حقوق مالکیت ادبی و هنری به حق مؤلف و حقوق مجاور، در برخی کشورها پذیرفته نشده است بخصوص در کشورهای دارای سنت حقوقی کامن‌لا،

تفکیلی بین حقوق مؤلف و حقوق مجاور وجود ندارد و هر دو مقوله از حقوق، تحت عنوان کلی «کپی رایت» مورد حمایت قرار می‌گیرند (زرکلام، ۱۳۸۸، ۶).

۵- مبانی مالکیت فکری

فقه‌های امامیه دلایلی را برای مشروعیت حقوق مالکیت معنوی ذکر نموده‌اند که عبارتند از:

۵-۱- ارتکاز عقلا و سیره‌ی عقلاء

بر اساس این دلیل از یک سو ارتکاز عقلا بر مالکیت این حقوق دلالت دارد و از سوی دیگر نیز هیچ منع و ردعی از شارع نسبت به این ارتکاز به دست ما نرسیده است. پس اصل بر اعتبار این ارتکاز عقلایی از نظر شرع مقدس است. از طرفی ارتکاز عقلایی، عقوبودن تعهدات و التزامات معمول در جوامع را نتیجه می‌دهد در عرف عقلا، یکی از حقوق قابل احترام، حقوق معنوی مؤلفان و محققان و مبتکران است (الزحیلی، ۱۹۸۹، ۳، ۱۱).

۵-۲- ادله‌ی حرمت سرقت و غصب یا ورود عدوانی

پس از اثبات مالیت حقوق یاد شده، استفاده از آثار دیگران بدون اجازه صاحبان آنها مشمول ادله حرمت غصب یا سرقت یا ورود عدوانی می‌گردد، لذا حقوق یاد شده مورد پذیرش شرعند (شبیری، ۳).

۵-۳- قاعده‌ی لاضرر

بر اساس قاعده‌ی لاضرر و لاضرار، بهره برداری از نتایج کار مؤلف یا هنرمند و نظایر آن، اضرار به آنها تلقی می‌شود که در شریعت مقدس به صراحت ممنوع شده است. چنانچه کتاب سفینه البحار محصول ۲۵ سال تلاش شیخ عباس قمی است (مطهری، ۱۳۶۹، ۱۲۵).

۵-۴- اختیارات ولی فقیه

برخی از فقه‌های معاصر، با توسعه‌ی مبنای ولایت فقیه، اختیارات گسترده‌ای برای فقیه قائل شده‌اند. قانون اساسی ایران نیز پس از انقلاب بر مبنای ولایت فقیه شکل گرفته است. لذا این اصل توانسته است برای آنها راهگشای بسیاری از مشکلات حقوقی، به ویژه در دایره‌ی امور حکومتی باشد. از جمله

مواردی که به مبنای ولایت فقیه تمسک شده است، در زمینه حقوق مالکیت‌های معنوی است. لذا ولی فقیه اگر مصلحت جامعه را در الزام اجتماع به تبعیت از نظام مالکیت فکری ببیند، می‌تواند از ولایت خود استفاده و با محترم‌شمردن این حقوق، رعایت آن را بر همگان تکلیف نماید (شبیروی، همان).

۵-۵- قاعده‌ی حفظ نظام و دلیل عقل مستقل

بر اساس این دلیل، در نظر گرفتن حقوق مالکیت معنوی از اختلال نظام جلوگیری می‌کند و از سویی در مواردی که اهمیت کمتری نسبت به موضوع مورد بحث دارند یا مشابه آنند، بارها به این قاعده استناد و از آن به عنوان محکم‌ترین و مستدل‌ترین دلیل تعبیر شده است (اردبیلی، ۱۴۰۳، ۲۷۳، ۲؛ خمینی، ۱۴۱۸، ۲، ۳؛ خوبی، ۱، ۲۷ و ۵۵).

۵-۶- قاعده صحت

از جمله دلایلی که برخی از موافقان حقوق مالکیت معنوی (شفایی، ۳۷ و ۳۸، ۷۶) برای حمایت از حقوق یاد شده به آن استناد نموده‌اند قاعده‌ی صحت است. بنابر باور این دسته از موافقان حقوق مالکیت معنوی اصل یاد شده برای اثبات شرعیت هر حق مستحدثه‌ای کارساز و راهگشا و مفید است. بر اساس این دلیل در صورت شک در صحت چیزی از جمله حقوق مالکیت معنوی به موجب قاعده‌ی صحت به صحت آن حکم می‌گردد.

۵-۷- حق سبق

از جمله دلایل مورد استناد برای اثبات شرعیت حقوق مالکیت معنوی (مهریزی، ش ۸۵، ۴) قاعده‌ی سبق است، با این بیان که با استفاده از حدیث «هرکس پیشی بگیرد بر آنچه که کسی قبلاً به آن پیشی نگرفته است، وی به آن سزاوارتر است» از آنجا که صاحبان آثار برای تولید آثار خود زحمت کشیده و پیش از دیگران موفق به تولید فکری شده نسبت به دیگران احق و سزاوارند.

۶- آرای فقهی مالکیت فکری

موضوع حق معنوی پس از انقلاب اسلامی با توجه به نظریه فقهی حضرت امام خمینی (ره) در حالت ابهام قرار گرفت. با این که در مورد حق مؤلف و حق مخترع و علائم تجارتمی قوانین خاص وجود داشت،

برخی محاکم، صدور رأی براساس فتاوی فقهی را ترجیح دادند. از جمله در تاریخ ۱۳۶۲/۰۴/۰۷ در پرونده- ای خواهان درخواستی به خواسته مطالبه مبلغی به دادگاه عمومی تهران تسلیم نمود و اعلام داشت که خوانده بدون مجوز قانونی مبادرت به نشر کتاب ... کرده است. دادگاه پس از طی مراحل قانونی چنین رأی صادر کرد: «نظر به فتوای امام (ره) در تحریر الوسیله ... هرچند این نظر معارض با قانون حقوق حمایت از مؤلفان و مصنفان و هنرمندان می‌باشد، ولی در مقام تعارض، رجحان داشته و بنا به مراتب دادگاه عمومی مدعی را مردود اعلام می‌دارد». البته با تجدید نظر خواهی از رأی مذکور، شعبه ۱۹ دیوانعالی کشور، با استناد به مسأله هفت از صفحه ۲۶۲ جلد دوم تحریر الوسیله و قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ اعتراض را وارد دانسته و دادنامه فرجام خواسته را نقص می‌نماید (آیتی، ۱۳۷۵، ۵۱). از میان فقهای شیعه که اظهار عقیده نموده‌اند دو گروه مخالف و موافق می‌باشد:

الف) آراء و نظرات فقهی موافقان حق مالکیت فکری

۱- حضرت آیت ... جعفر سبحانی می‌فرماید: «هر نوع عملی که در نظر عرف و عقلاء منشأ حقوق باشد، رعایت آن لازم و تجاوز به آن مصداق ظلم است و شرعاً حرام می‌باشد» (گرچی، ۱۳۷۲، ۱۲۲).

۲- حضرت آیت‌اله محمد فاضل لنکرانی می‌فرماید: «اگر چه حضرت امام خمینی (ره)، اعتبار شرعی این حقوق را نفی فرموده‌اند، لیکن به نظر قاصر می‌رسد حقوقی را که از نظر عقلاء حق شناخته می‌شود و آثاری به آن مترتب می‌کنند، تا دلیل شرعی بر نفی حق بودن آنها قائم نشود، نمی‌توان آنها را نفی کرد و از ترتب آثار آنها جلوگیری نمود و ادله‌ای مانند «الناس مسلطون علی اموالهم» نمی‌تواند نافی حق بودن آنها باشد» (محمد بیگی، ۱۳۷۴، ۱۳۶).

۳- حضرت آیت‌اله سیدمحمدحسن مرعشی می‌فرماید: «حق تألیف یکی از حقوقی است که در جوامع گذشته وجود نداشته است. زیرا مؤلفین در تألیف و نوشته‌های خود، منافع شخصی خویش را در نظر نمی‌گرفتند. اما پس از آن که کتاب وسیله‌ای برای تجارت و معامله گردید، مؤلف این حق را پیدا کرد که از تألیف خود، در مرحله اول خودش استفاده کند. زیرا کتابی را که تألیف کرده، ساخته و پرداخته خود اوست و منطقی به نظر نمی‌رسد که کسی دیگر از نوشته و اثر او ثروتمند گردد، اما خودش در فقر و احتیاج به سر برد(درزی، ۱۳۷۱، ۱۰۳).

۴- آیت‌الله خامنه‌ای می‌فرماید: بنا بر احتیاط حقوق مادی و مالکیت فکری تولید کنندگان اثر باید مراعات شود. این موارد در مورد تولیدات داخل ایران می‌باشد اما در باره محصولات خارجی حق تکثیر و یا

عدم آن بستگی به قانون بین دولت ها دارد. اگر قانونی در این زمینه وجود دارد، باید مراعات شود. در مورد محصولات اسراییل و امریکا مشکلی وجود ندارد(آیت الله خامنه‌ای، ۱۴۲۴، ۲۹۹).

ب) آراء و نظرات فقهی مخالفان حق مالکیت فکری

حضرت آیت الله صافی گلپایگانی در پاسخ به این سوال که آیا حقوق مالکیت های فکری نظیر حق چاپ و تالیف اعتبار شرعی دارند، چنین پاسخ داده اند: «حق طبع، حق تألیف و حق اختراع را به مفهومی که در قوانین موضوعه جدید از آن تعریف شده و آثاری که بر آن مترتب می‌نمایند، حقیر نتوانسته‌ام با احکام و نظامات اسلامی تطبیق نمایم و از عقود و معاملات هم نیست که بتوانم بگویم. شمول اطلاقات یا عموم بعضی ادله مثل «اوفوا بالعقود» است. در زمان شارع مقدس(علیه السلام) هم تألیف و اختراع و ابتکار بوده، اما برای مؤلف و مبتکر و مخترع و محقق، حق اعتبار نمی‌شده و شارع هم اعتبار نفرموده است و به عباره آخری، بنابر عدم اعتبار بوده ... بناء علی نحل به ما ذکر، مشروعیت حقوق مذکوره را ثابت نمی‌دانیم و هر چند ترتب برخی از آثاری که بر این حقوق مترتب می‌گردد، به طور شرط در ضمن عقد امکان پذیر است، اما مقاصد مهمی را که ارباب دعوای این حقوق دارند، با شرط نمی‌توان تأمین کرد. راهی که تا حدی می‌تواند بعضی اغراض صحیحی را که در اعتبار این حقوق در نظر است فراهم سازد، این است که فقیه جامع الشرایط که بر حسب ولایت باید مصالح عامه را در نظر بگیرد، به طور موردی نسبت به هر اختراع یا طبع یا تألیف، طبع یا تقلید از آن اختراع یا تألیف را تا مدت معینی محدود نمایند ...»(امامی، ۱۳۷۱، ۱۰۳). حضرت امام (ره) در این مسأله می‌فرمایند: آنچه نزد بعضی حق طبع(چاپ) نامیده می‌شود، حق شرعی نیست، پس جایز نیست که بدون هیچ گونه عقد و شرطی، تسلط مردم بر اموالشان(منظور صاحبان کتب که آنها را خریده‌اند) سلب شود، پس مجدد طبع کتاب و نوشتن در آن به اینکه حق طبع و تقلید برای صاحبش محفوظ است، چیزی را موجب نمی‌شود و این قرار با غیرشمرده نمی‌شود، پس برای غیر او طبع و تقلید جایز است، و برای کسی جایز نیست که او را از این مسأله باز دارد(امام خمینی، ۲، ۶۲۶). به نظر می‌رسد که حق طبع در فرمایش حضرت امام خمینی(ره)، اعم است از حق چاپ برای ناشران و مؤسسات انتشاراتی و حق چاپ برای مؤلف که جزئی از حقوق پدیدآورنده است. زیرا بعید است که نظر ایشان تنها حق طبع و حق چاپ برای ناشر یا مؤسسه انتشاراتی یا هر شخص حقیقی یا حقوقی که اقدام به چاپ کند بوده باشد، بدین دلیل که اظهارنظر درباره حق چاپ منوط به بحث از حق مادی مؤلف است.

در توجیه نظریه امام(ره) گفته‌اند: عقلاء بر این امر اتفاق نظر ندارد که مجرد چاپ کتاب برای صاحب چاپخانه حقی ایجاد می‌گردد. همچنین توافق عقلاء بر منع مردم از تقلید، قطعیت پیدا نکرده است. چرا که طبیعت مردم بر تقلید در همه امور و اعمال و اختراعات و حرفه‌ها استوار است و عقلاء تقلید در یکی از امور صنعتی و ساختن شی از روی نمونه‌ای دیگر و بهره‌گرفتن از نتیجه فکر گذشتگان را، عرفاً تصرفی در حقوق دیگران که مشروط به اجازه صاحبان این صنایع و اعمال و افکار باشد، نمی‌دانند و چاپ کتاب نیز از جریان این سیره عقلاء خارج نیست (درزی، ۱۳۷۱، ۱۰۴). حقوق مالکیت معنوی و تولید آثار فکری به عنوان یک کار و منفعت، ارزش مالی فراوان دارد و به دلیل مبتلا به واقع شدن آن در دنیای امروز و حمایت قوانین و پیمان نامه‌های متعدد در مورد این حقوق، امروزه توجه حقوقدانان و فقهای اسلامی اعم از شیعه و اهل سنت را به خود جلب کرده است به گونه‌ای که برخی در حمایت و برخی در رد این حقوق به اظهارنظر و ارایه دلیل پرداخته‌اند. از مجموع دلایل استفاده می‌شود که مالکیت حقوق یاد شده به دلیل کار و منفعت و ... مورد پذیرش فقهای اسلامی است، اختلافی که وجود دارد در خصوص ملکیت حقوق یاد شده است، زیرا بین مالیت و مالکیت ملازمه نیست. اما از سویی با توجه به ادله گوناگون همچون لاضرر، اوفوا بالعقود، اختلال نظام و ... شرعیت حقوق یاد شده، نتیجه گرفته می‌شود که بعنوان شروط اولیه و در فرض گنجانده شدن ضمن عقد به عنوان شروط ضمن عقد لازم الاتباعند که به لوازم آن نیز باید پایبند بود. از سویی بر فرض که دلایل یاد شده برای اثبات شرعیت حقوق مزبور کافی نباشد، از باب حکم حکومتی می‌تواند شرعیت حقوق یاد شده را نتیجه گرفت و آنها را لازم الاتباع دانست، از طرفی باتوجه به اثبات مالیت حقوق یاد شده، صاحب این حقوق می‌تواند نسبت به انتقال حقوق خود از طریق نواقل شرعی همچون بیع، صلح و ... اقدام کند(رحیمی و سلطانی، ۱۳۸۵، ۱۶۶ و ۱۶۵). یکی دیگر از بزرگانی که مخالف حق مالکیت معنوی است آیت الله سیستانی می‌باشد. ایشان به صراحت کپی کردن محصولات فرهنگی را اجازه داده‌اند مشروط به این که بر خلاف قانون نباشد(آیت‌الله سیستانی، ۴۱۲).

۷- احکام خاص مالکیت معنوی

۷-۱- انتقال حقوق مالکیت ادبی و هنری در ایران

در حقوق ایران، حکم خاص و صریحی در مورد شناسایی اصل آزادی قراردادی در قراردادهای مؤلف دیده نمی‌شود. با این حال، به نظر می‌رسد نیازی به ذکر حکمی مستقل از ماده‌ی ۱۰ قانون مدنی در قانون

حقوق مؤلف وجود نداشته باشد. اصل آزادی قراردادی، قاعده‌ای مسلم و انکارناپذیر در حقوق ایران است و تکرار آن در انواع قراردادهای ضرورتی ندارد. به ویژه باید در نظر داشته باشیم حقوق ایران جز حکم مندرج در ماده ۱۴ راجع به تعیین مدت انتقال حکم ماده ۱۳ راجع به آثار سفارشی قاعده یا قواعد مستقلی در مورد قراردادهای مؤلف وضع نکرده تا نیازی به ذکر قواعد عمومی آن باشد. با این حال، می‌توان به طور تلویحی از ماده ۵ قانون که اجازه می‌دهد مؤلف «حقوق مادی خود را در کلیه موارد ... به غیر واگذار کند» وجود اصل آزادی قراردادی را در این زمینه خاص نیز احراز کرد. در مجموع به نظر می‌رسد، قراردادهای مؤلف، محل تلاقی حقوق بعضاً یا کلاً متعارض مؤلف، طرف قرارداد و جامعه هستند و همین امر سبب بروز آثار و محدودیت‌های ویژه‌ای می‌گردد (محمدی، ۱۳۸۶، ۵۳). در واقع پدیدآورنده همانند تاجر صاحب کالا خود شناخته می‌شود و با آن دارای رابطه مالکانه صرف است. همانطور که یک سهامدار سهم خود و یک کارخانه دار محصولات خود را می‌فروشد، یک پدیدآورنده هم کتاب، فیلم نامه و فیلم خود را در معرض فروش قرار می‌دهد (زرکلام، ۱۳۸۸، ۷).

از منطوق ماده ۵ قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان و سایر مواد همین قانون و نیز منطوق ماده ۱ قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی، بر می‌آید که حق مالی پدیدآورنده به دو صورت اختیاری و قهری قابل انتقال است. حق مادی پدیدآورنده یا همان حق مالی که بسیاری از حقوقدانان و صاحب نظران از این عنوان «حق مالی» استفاده نموده‌اند در چهار شکل مختلف قابل انتقال می‌باشد که عبارتند از:

- انتقال حق به شخص حقیقی
- قرارداد انتقال حق به سفارش دهنده
- قرارداد انتقال حق به استخدام‌کننده (کارفرما)
- قرارداد انتقال حق به شخص حقوقی (صادقی نشاط، ۱۳۸۹، ۲۲۲)

آنچه در این انتقال برجسته می‌باشد، عنصر ارادی بودن است اما انتقال همواره به صورت اختیاری نیست و خارج از اراده و اختیار مالک، انتقال صورت می‌گیرد. در نظام حقوقی ایران، مراد از انتقال قهری، انتقال مال منقول یا غیرمنقول یا مطالبات کسی به دیگری بدون اینکه سبب این انتقال توافق طرفین باشد. مانند انتقال مال مورث به ورثه است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸، ۸۹). انتقال قهری نیز به دو شکل قابل تصور است یکی انتقال قهری در زمان حیات می‌باشد که در قالب انتقال قهری به طلبکاران قابل

تصور است و دیگری انتقال حق پس از مرگ که ماده ۱۲ قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان به انتقال قهری پس از مرگ اشاره دارد و انتقال را به وراثت به مدت سی سال مشخص نموده است. ماده ۳ قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان ایران اشعار می‌دارد که حقوق معنوی غیرقابل انتقال است اما گروهی از حقوقدانان معتقدند، مقصود از غیرقابل انتقال بودن این حقوق به موجب قرارداد حین زندگانی است نه غیرقابل انتقال بودن از طریق ارث یا وصایت، زیرا اولاً که حمایت از شخصیت پدیدآورنده اقتضاء می‌کند که حقوق معنوی او بعد از مرگ به وسیله کسانی که قائم مقام او هستند اعمال گردد، ثانیاً ماده ۴ قانون مذکور این حقوق را محدود به زمان ندانسته و از این رو حقوق مزبور نباید با فوت پدید آورنده از میان برود. ثالثاً از ماده ۲۶ قانون که برای وزارت فرهنگ و ارشاد بعد از سپری شدن مدت حمایت از حقوق مادی عنوان شاکی خصوصی در صورت تجاوز به حقوق معنوی او قائل شده، استنباط می‌شود که اعمال حقوق معنوی بعد از فوت پدیدآورنده با قائم مقام او اعم از وراثت یا وزارت فرهنگ است (صفایی، ۱۳۷۵، ۸۷). گروهی از حقوقدانان بر آن نظر هستند که حق معنوی، خاص پدیدآورندگان می‌باشد و در واقع جزئی از شخصیت او به شمار می‌رود و حق معنوی بر تألیف را وارثان چنانکه هست می‌توانند اجرا کنند، ولی اصل حق به ایشان منتقل نشده است، چنانکه مؤلف می‌تواند نوشته خود را به کلی دگرگون سازد، نظرهای مخالف گذشته بدهد یا آن را از بین ببرد، ولی بازماندگان او چنین اختیاری ندارند. آنان وظیفه دارند که میراث خویش را حفظ کنند و با استفاده از وسایل اجرایی حق، از مزایای مالی آن بهره‌مند شوند. پس، می‌توان گفت حق معنوی مؤلف به صورت یک تکلیف به بازماندگان او می‌رسد (کاتوزیان، ۱۳۷۹، ۲۹۹). در این قسمت باید یادآور شد که براساس ماده ۱۸ قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان، اعمال تحریف و هرگونه تغییر در اثر بدون اجازه پدیدآورنده ممنوع است. که در صورت تغییر پس از فوت، وراثت باید موافقت پدیدآورنده را بتوانند به اثبات برسانند. در خصوص قراردادهای منعقد بین صاحب اثر و شخص ثالث بدین صورت عمل می‌شود که وراثت باید به انتقالات زمان حیات صاحب اثر پایبند باشند و مدت تعیین شده در قانون برای مالکیت وراثت (۳۰ سال) از زمان فوت صاحب اثر محاسبه می‌شود اگر چه براساس قرارداد منتقل شده باشد.

۷-۲- انتقال حقوق مالکیت صنعتی در ایران

در بررسی چگونگی انتقال این حق و شرایط انتقال می‌توان گفت که نقل و انتقال به دو صورت ارادی و قهری قابل تصور است. نقل و انتقال ارادی در قالب‌های زیر انجام می‌شود:

- انتقال از طریق وصیت: چنانچه در مباحث بیان شد حق مالکیت صنعتی مال محسوب می‌شود و قابل ارزش گذاری و ارزیابی به پول و تملک می‌باشد پس اگر چه قانون ثبت اختراعات در سال ۱۳۱۰ در خصوص نقل و انتقال سکوت کرده است اما ماده ۸۲۶ قانون مدنی این نوع از نقل و انتقال را مجاز دانسته است. پس می‌توان با استناد به ماده ذکر شده نقل و انتقال از طریق وصیت را امکان‌پذیر دانست.

- انتقال از طریق قرارداد استخدام، سفارش: در قانون ثبت علائم و اختراعات ایران در خصوص قراردادهای فوق، تعیین تکلیف نشده و صرفاً در طرح پیشنهادی به مجلس شورای اسلامی به این موضوع توجه شده است. در بند ۵ ماده ۳ طرح آمده است هرگاه اختراعی در اجرای یک قرارداد استخدام انجام شده باشد حقوق مربوط به آن اختراع متعلق به کارفرما خواهد بود. مگر آنکه خلاف آن در قرارداد شرط شده باشد. در مورد طرح‌های صنعتی در ماده ۱۶ پیش‌نویس لایحه جدید ناظر بر بند ۵ ماده ۳ پیش‌بینی شده است که بر مبنای آن حقوق مربوط به طرح صنعتی که در راستای اجرای یک قرارداد انجام شده متعلق به کارفرما است مگر اینکه بر خلاف آن شرط شده باشد. به نظر می‌رسد در مورد اختراعات و طرح‌هایی که به سفارش ایجاد شده باشند، بتوان از وحدت ملاک ماده ۶ قانون حمایت حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای و همچنین ماده ۳ قانون حمایت از مؤلفان و مصنفان و هنرمندان استفاده کرد و حقوق مالی منتج از اثر را متعلق به سفارش دهنده دانست (امیدیان، ۱۳۸۶، ۴۳ و ۴۴). در مورد نقل و انتقال قهری نیز انتقال از طریق ارث و انتقال به واسطه ورشکستگی و انتقال به واسطه ادغام دو شرکت یا شخص حقوقی و نیز انتقال حق به توقیف یا تأمین کننده حقوق اموال صنعتی قابل تصور است. در مورد قسم آخر باید گفت اگر چه در قوانین به صراحت ذکر نشده است که توقیف یا تأمین اموال صنعتی امکان‌پذیر است اما با توجه به اینکه قانونگذار در تبصره ماده ۶۵ قانون اجرای احکام سال ۱۳۶۵ مقرر می‌دارد «تصنیفات و تألیفات و ترجمه‌هایی که هنوز به چاپ نرسیده بدون رضایت مصنف و مؤلف و مترجم در صورت فوت آنها بدون رضایت ورثه یا قائم مقام آنان توقیف نمی‌شود». می‌توان چنین برداشت نمود که پس از انتشار قابل توقیف و تأمین است و طلبکار می‌تواند نسبت به توقیف اموال فکری اقدام نماید و این بیان قانون که به نوعی تأیید کننده مالیت اموال فکری است و در بر گیرنده حقوق اموال صنعتی نیز می‌شود پس طلبکار می‌تواند به موجب احکام لازم الاجرای محاکم و یا اجرایی اسناد رسمی از حق مزبور به میزان طلب خود برداشت نماید.

۸- نتیجه‌گیری

حقوق مالکیت معنوی (فکری) نهادی است کاملاً جوان و نوپا، این حقوق در پی یک نوآوری و ابتکار منحصر به فرد به وجود می‌آید و متعلق به صاحب آن تفکر و اندیشه‌ای می‌باشد، این نوآوری و ابتکار می‌تواند وسیله‌ای جدید باشد که اختراع شده است و یا اثری هنری و ادبی. مالکیت بر اموال مادی مالکیت عام می‌باشد و مالکیت بر اموال معنوی (فکری) مالکیت خاص است که بین این دو تفاوت وجود دارد که مهمترین خصیصه مالکیت مادی دوام و دایمی بودن آن است اما مالکیت معنوی (فکری) در اثر گذشت زمان یا بعضی اقدامات یا تخلفات (درخصوص اختراعات صنعتی) اعتبار خود را از دست خواهند داد و تفاوت دیگر آنها در شخصیت پدید آورنده می‌باشد که پدیدآورنده مالکیت فکری از ارکان اساسی مالکیت فکری است ولی در مالکیت مادی چنین خصیصه‌ای وجود ندارد.

فقه‌های اسلامی اعم از شیعه و اهل سنت، نسب به حقوق مالکیت معنوی (فکری) اظهارنظر نموده‌اند و به ارایه دلیل پرداخته‌اند و به عللی چون کار، منفعت، تلاش فرد و ... این حق مورد پذیرش فقه‌های اسلامی قرار گرفته است، اما در نحوه ملکیت این حقوق اختلاف نظر وجود دارد. در حقوق ایران غیر از برداشت از ماده ۵ قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان و ماده ۳۳ قانون ثبت علائم و اختراعات حکم قانونی یا رویه قضایی درخصوص واگذاری بخشی از حقوق مالی توسط پدیدآورنده وجود ندارد. حق مادی پدیدآورنده در حقوق مالکیت ادبی و هنری یا همان حق مالی براساس قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان به صورت ارادی در چهار شکل مختلف قابل انتقال می‌باشد: انتقال حق به شخص حقیقی (ماده ۱۴)، انتقال حق به سفارش‌دهنده (ماده ۱۳)، انتقال حق به استخدام‌کننده (کارفرما)، انتقال حق به شخص حقوقی (بند ۲ ماده ۱۳) انتقال به صورت قهری به دو شکل انتقال قهری در زمان حیات و انتقال قهری پس از مرگ صورت می‌پذیرد (مواد ۱۲ و ۱۵) انتقال حقوق مالکیت صنعتی نیز براساس قانون ثبت علائم و اختراعات به صورت ارادی و قهری قابل انتقال می‌باشد که انتقال ارادی آن از طریق وصیت و قرارداد استخدام و سفارش و انتقال قهری از طریق ارث، ورشکستگی و ادغام دو شرکت صورت می‌پذیرد. برخی موضوعات صنعتی نظیر حق اختراع (ماده ۳۹)، علائم تجاری (ماده ۱۲)، طرح‌های صنعتی، نشانه‌های جغرافیایی و اسرار تجاری به هر دو صورت ارادی و قهری مورد بررسی قرار گرفته شده است که در تمامی موارد امکان نقل و انتقال وجود دارد اما در اسرار تجاری محدودیت‌هایی

وجود دارد. در حقوق مالکیت صنعتی امکان انتقال در برخی موضوعات صنعتی وجود دارد از جمله حق اختراع، علائم تجاری، مدارهای یکپارچه، طرح‌های صنعتی و ورقه اختراع.

در نهایت با توجه به رقابت آینده جهان بر سر تصاحب اموال مادی و یا اطلاعاتی که منجر به تصاحب این اموال می‌گردد و همچنین محوریت اموال معنوی در تجارت نوین جهانی، سرمایه‌گذاری، روابط اقتصادی و رشد و توسعه جوامع، پیشنهاد می‌گردد:

- قرارداد های انتقال حقوق مالی صاحبان آثار معنوی (فکری)، مستقل از قراردادهای انتقال اموال مادی پیش‌بینی گردد.

- در نظام حقوقی ایران قوانین اموال معنوی (فکری) بسیار ضعیف و غیر کاربردی است و متأسفانه به انتقال اموال معنوی بسیار ناچیز پرداخته شده است. لذا نیاز است با بازنگری مفاهیم سنتی حقوق ایران و تصویب قوانین جدید گامی نو برداشته شود.

فهرست منابع

الف - منابع فارسی

- ۱- آریان‌پور کاشانی، عباس، (۱۳۷۵)، فرهنگ کامل انگلیسی، فارسی، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ هفتم.
- ۲- آیتی، حمید، (۱۳۷۵)، حقوق آفرینش‌های فکری با تأکید بر حقوق آفرینش‌های ادبی و هنری، انتشارات حقوقدان، تهران، چاپ اول.
- ۳- اردبیلی، احمد، (۱۴۰۳)، مجمع الفائده و البرهان، تحقیق اشتهاردی و عراقی و یزدی، قم، جامعه‌المدرسین.
- ۴- امامی، سید حسن، (۱۳۷۱)، حقوق مدنی، جلد ۱، انتشارات اسلامیه، تهران، چاپ نهم.
- ۵- امامی، سید حسن، (۱۳۸۱)، حقوق مدنی، انتشارات اسلامیه، تهران، چاپ شانزدهم.
- ۶- امامی، اسدالله، (۱۳۹۰)، حقوق مالکیت صنعتی، انتشارات میزان، تهران، چاپ اول.
- ۷- امامی، اسدالله، (۱۳۸۶)، حقوق مالکیت معنوی، انتشارات میزان، تهران، چاپ اول.
- ۸- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۸۸)، حقوق اموال، انتشارات گنج دانش، تهران، چاپ ششم.
- ۹- حجتی اشرفی، غلامرضا، (۱۳۸۳)، مجموعه کامل قوانین و مقررات محشای بازرگانی و تجاری، انتشارات گنج دانش، تهران، چاپ اول.
- ۱۰- حکمت‌نیا، محمود، (۱۳۸۷)، مبانی مالکیت فکری، سازمان انتشارات، تهران، چاپ دوم.
- ۱۱- حبیب‌سعی، شاکری، زهرا، (۱۳۹۰)، دکترین استیفای حق در حقوق مالکیت فکری، انتشارات میزان، تهران، چاپ اول.
- ۱۲- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۲)، لغت‌نامه، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، چاپ اول.
- ۱۳- زرکلام، ستار، (۱۳۸۸)، حقوق مالکیت ادبی و هنری، انتشارات سمت، تهران، چاپ دوم.

- ۱۴- صادقی نشاط ا.، (۱۳۸۹)، حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای کامپیوتری، انتشارات میزان، تهران، چاپ دوم.
- ۱۵- صفایی، حسین، (۱۳۷۹)، دوره مقدماتی حقوق مدنی اشخاص و اموال، انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ اول.
- ۱۶- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۱)، اموال و مالکیت، انتشارات میزان، تهران، چاپ پنجم.
- ۱۷- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۵)، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، شرکت سهامی انتشار، تهران، چاپ چهل و هشتم.
- ۱۸- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۷)، قواعد عمومی قراردادها، شرکت سهامی انتشار، تهران، چاپ پنجم.
- ۱۹- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۹۲)، دوره مقدماتی حقوق مدنی (اموال مالکیت)، انتشارات میزان، تهران، چاپ سی و نهم.
- ۲۰- کلود، (۱۳۹۰)، اصول بنیادین حقوق مولف و حقوق مجاور در جهان، ترجمه محمدی وادقانی، انتشارات میزان، تهران، چاپ دوم.
- ۲۱- گانت، (۱۳۸۹)، فلسفه حقوق، ترجمه صانعی دره بیدی، انتشارات نقش و نگار، تهران، چاپ اول.
- ۲۲- مشیریان، محمد، (۱۳۳۹)، حق مؤلف و حقوق تطبیقی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، چاپ اول.
- ۲۳- محمدی، پژمان، (۱۳۸۶)، قراردادهای حقوق مؤلف، انتشارات دادگستر، تهران، چاپ اول.
- ۲۴- مطهری، مرتضی، (۱۳۶۹)، نظری به اقتصاد اسلامی، تهران.
- ۲۵- میرحسینی، سید حسن، (۱۳۸۷)، حقوق اختراعات، انتشارات میزان، تهران، چاپ اول.
- ۲۶- میرحسینی، سید حسن، (۱۳۹۰)، حقوق علائم تجاری، انتشارات میزان، تهران، چاپ اول.
- ۲۷- میرحسینی، سید حسن، (۱۳۹۱)، مقدمه‌ای بر حقوق مالکیت معنوی، انتشارات میزان، تهران، چاپ سوم.
- ۲۸- نوروزی، علیرضا، (۱۳۸۱)، حقوق مالکیت فکری (حق مؤلف و مالکیت صنعتی)، انتشارات چاپار، تهران، چاپ اول.

ب- منابع عربی

- ۲۹- خمینی، سیدمصطفی، (۱۴۱۸)، خبارات، تحقیق مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی، قم.
- ۳۰- خویی، سید ابوالقاسم، (۱۳۷۱)، مصباح الفقاهه، مطبعه غدیر.
- ۳۱- خمینی، سید روح الله، (۱۴۱۰)، کتاب البیع، مؤسسه اسماعیلیان، قم، الطبعة الرابعة.
- ۳۲- زحیلی، وهبه، (۱۹۸۹)، الفقه الاسلامی فی اسلوبه الجدید، انتشارات دارالفکر، دمشق، چاپ دوم.
- ۳۳- سنهوری، عبدالزاق، (۱۹۶۷)، الوسیط فی شرح القانون المدنی، التراث العربی، بیروت.